

شبکه تماشا که سریال‌هایشان بیشتر است، دیگر علاقه‌مندی به نگاه کردن به تلویزیون به آن معنا وجود ندارد.

این تفاوت مدیریت‌ها تا چه اندازه ناشی از سلیقه مدیریتی بوده است؟ آیا هر مدیر نگاه متفاوتی به مخاطب داشته و تلاش کرده طیف متفاوتی از مخاطبان را پوشش دهد؟

هر کدام از رؤسای سازمان که آمدند، به‌طور طبیعی دوست داشتند برنامه‌ها و دوره‌شان دوره خوب و درخشانی باشد و مخاطب داشته باشد؛ اما هر کسی بنا به توانش عمل کرد.

آقای دکتر لاریجانی هم به لحاظ علمی، هم فرهنگی و هم سیاسی جایگاه متفاوتی داشتند و فضا را متفاوت می‌دیدند. ایشان معتقد بود باید از گستره کل مردم ایران با تفکرات مختلف مخاطب جذب شود.

همین تفکر را آقای ضرغامی هم داشتند. ایشان مسیری را که آقای لاریجانی هموار کرده بودند، ادامه دادند و با یک‌سری تفکرات متفاوت‌تر و رنگ‌های مختلف‌تر جلو رفتند.

البته می‌توانیم این ادعا را داشته باشیم که دوره آقای ضرغامی مقداری پوپولیستی‌تر شد. نزدیکی بیش از حد به چهره‌ها و جایگاه ویژه دادن به چهره‌ها باید سر جای خودش باشد، اما یک مقدار دوز آن بالا و پایین می‌شود و تنظیمات آن چهره‌ها به هم می‌ریزد.

در دوره آقای سرافراز، تأکید بیشتر بر این بود که منافذ مالی سازمان بسته شود؛ منافذی که منابع مالی سازمان از آن خارج می‌شد و خود سازمان از آن منتفع نمی‌شد، یا ساختار سازمان جمع‌وجورتر شود.

در دوره آقای علی‌عسکری، اولویت چیز دیگری شد؛ اینکه منابع مالی از دست رفته دوباره جذب شود، مخاطبی که نداریم دوباره جذب شود و سریال‌هایی که نساخته‌ایم دوباره ساخته شود و جوان‌گرایی که آقا بر آن تأکید کرده بودند، انجام شود.

اما در این دوره، آقای جلیلی که به‌عنوان کسی که از دوره آقای دکتر لاریجانی آمده و در داخل سازمان صداوسیما از سردبیری، دبیری و خبرنگاری شروع کرده بود. ظاهراً به عنوان رئیس سازمان، خودش به آن معنا سیاست‌گذار نبوده و فرد دیگری سیاست‌گذاری می‌کرده و این چیزی است که دیگر خیلی مشخص است.

تیمی که در انتخاب ایشان تأثیرگذار بودند و رأس آن آقای وحید جلیلی است، اصلاً نگاهش این بود که چرا باید با ۱۰۰ درصد جامعه کار داشته باشیم و من با ۲۰ درصد کار دارم. خودش در جلسات مختلف این را گفته بود.

آن ۲۰ درصد چه کسانی بودند؟

۲۰ درصد آن جماعت حزب‌اللهی، سوپر انقلابی و پایبند به انقلاب که در هر صورت پای نظام هستند. این را من از رهبر معظم انقلاب نقل می‌کنم، سندش، فکر می‌کنم، در دفتر نشر آثار آقا وجود داشته باشد. سال ۱۳۹۵ در جمع گفت‌وگوهای گفتمان انقلاب اسلامی، که تازه اوایل راه‌اندازی شبکه افق بود، آقا تذکر می‌دهند و می‌گویند خیال نکنید که شما باید برای یک عده خاص برنامه بسازید؛ شما باید برنامه‌ای بسازید که همه را دربر بگیرد و همه بنشینند و برنامه شما را نگاه کنند.

اما نگاه‌ها کاملاً متفاوت و مقابل‌نگاهی بود که ایشان بر آن تأکید داشت و همین در این پنج سال عملیاتی شد. یکی از محورهایی که روی آن تأکید شد، سلبریتی‌زدایی بود که از سال ۱۴۰۱ عملاً کلید خورد. بعد از آن، با اتفاقات سال ۱۴۰۱ و آشوب و اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» بیشتر بروز کرد.

یک‌سری از چهره‌هایی که رانده شده بودند و یک‌سری از چهره‌هایی که مغضوب واقع شده بودند، وارد فضای مجازی شدند و با این برداشت که این افراد منسوب نظام هستند و تفکر نظام را پیگیری می‌کنند، مقابل نظام موضع گرفتند.

از طرف دیگر، یک‌سری اشتباهات کاری هم در معاونت سیاسی تلویزیون

اتفاق افتاد؛ از جمله مسئله فیلمی که از مرحوم مهسا امینی داده شده بود و پخش نشد و یکی دوروز نگه داشته شد و گفتند کل ۵۰ ساعت دوربین را می‌خواهیم. این مسئله باعث شد آتش این ماجرا دمیده شود و مردم پای اینترنت‌نشال بنشینند و اتفاقی رقم بخورد که همین‌طور ادامه پیدا کرد.

شما زمانی که مدیرکل روابط عمومی صداوسیما بودید، نظرسنجی‌های مخاطبان را منتشر کردید. چرا این روند در دوره جدید ادامه پیدا نکرد؟

من به‌عنوان مدیرکل روابط عمومی صداوسیما، اولین مدیرکل روابط عمومی بودم که نظرسنجی‌ها را منتشر کردم؛ نظرسنجی‌هایی که از سریال‌ها و برنامه‌ها انجام می‌شد.

برداشت من این بود و خیلی سختی کشیدم تا آقای دکتر علی‌عسکری را راضی کنم این کار را انجام بدهم. ایشان می‌گفت باعث اختلاف می‌شود و باعث می‌شود بیرون بفهمند ما چقدر مخاطب داریم.

گفتم ما که شفافیم. برای مردم معلوم است که ما چقدر مخاطب داریم. مخاطبان بیرون، برنامه‌های یا مخاطب بالا و پایین ما را مقایسه می‌کنند. شبکه‌هایی که خوب کار می‌کنند بیشتر دیده می‌شوند و شبکه‌هایی که ضعیف کار می‌کنند، مجبورند خودشان را در این دایره رقابت ببینازند.

اولین بار، سال ۱۳۹۶ یا ۱۳۹۷، نظرسنجی‌هایی را که مهر محرمانه خورده بود منتشر کردم. خبرش را تنظیم می‌کردیم و بیرون می‌دادیم؛ ده برنامه اول را اعلام می‌کردیم.

خیلی هم چالش داشتیم. یک مدیر شبکه‌زنگ می‌زد و می‌گفت این‌طوری که شما دارید می‌گویید، ما مثلاً شبکه دوم می‌شویم، ولی اگر جور دیگری نگاه کنید، اول می‌شویم. خلاصه بین اول و دوم خیلی تفاوتی نبود، اما رقابت ایجاد شده بود.

دقیقاً از سال ۱۴۰۰ که بنده رفتم، این روند قطع شد. دوره جدید دوره‌ای شد که این موضوع مسکوت ماند. آخرین آمار رسمی که از صداوسیما، روابط عمومی و مرکز نظرسنجی و افکارسنجی سازمان بیرون آمد، همان سال ۱۴۰۰ بود؛ نهایتاً ۱۴۰۱. بعد از آن یا داده‌ای منتشر نمی‌شود، یا به صورت منقطع و گزینشی داده می‌شود. خب، همین سؤال برای مخاطب ایجاد می‌کند که چرا داده نمی‌شود.

و اخیراً هم که در نظرسنجی اخیر گفتند تلویزیون بالای ۷۰ درصد مخاطب دارد؟

بله و در ادامه چون دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌گوید سه نظرسنجی از جاهای مختلف به او داده می‌شود، تقاطع‌گیری می‌شود و بعد صحبت می‌کند و می‌گوید ۷۰ درصد مردم تلویزیون نمی‌بینند. از آن طرف، رئیس صداوسیما می‌گوید ۷۰ درصد تلویزیون را می‌بینند. مخاطب می‌گوید بالاخره کدام درست است؟ هر دو هم عضو نظام هستند و در شورای عالی انقلاب فرهنگی حضور دارند. برای مخاطب واقعاً گیج‌کننده است.

البته من معتمد آقای وحید جلیلی، هنوز روی همان ۲۰ درصد کار می‌کند و متأسفانه آثار ضرر چنین نگاهی را ما الان در تجمعات خیابانی می‌بینیم.

چرا؟ چون آن ۲۰ درصدی که وفادار به نظام هستند، را می‌گویند هسته سخت، در صورتی که ما هسته سخت را یک هسته ۹۰ میلیونی می‌بینیم، رهبری شهید ما چنین نگاهی داشتند و رهبری کنونی هم چنین نگاهی دارند که می‌گویند باید قشر خاکستری هم در همین‌ها حضور

داشته باشند.

این نگاه ۲۰ درصدی را از ابتدای جنگ، یعنی از جنگ رمضان، تسری دادند. طبق آماری که داشتند، از ابتدا، از نهم و دهم اسفند، جمعیتی که بر اساس نظرسنجی‌ها به خیابان می‌آمدند نزدیک ۴۰ درصد، یعنی ۳۷ تا ۴۰ درصد بودند، ولی الان رسیده به سه، چهار درصد.

از آن ۲۰ درصد هم انشقاق ایجاد کردند. چگونه؟ یک شب آمدند گفتند آقای قالیباف، که ما مدیون ایشان هستیم، سردار جبهه و جنگ و یکی از اصولگرایان شناخته‌شده است، «کیلو چنده» و رفته مذاکره کرده. آقای قالیباف خائن است. عراقچی که وضعیتش مشخص است، پزشک‌های هم

همین انشقاق‌ها آن ۲۰ درصد را می‌کم کرد؛ ۱۵ درصد، ۱۰ درصد و الان به این رسیده است. و معتقدم این نگاه فقط به مخاطب تلویزیون لطمه زده؛ به آن پشتوانه عظیم مردمی نظام جمهوری اسلامی لطمه زده است.

شما در دوره‌های مختلف مدیریت صداوسیما حضور داشته‌اید. آیا شایسته‌سالاری در دوره اخیر دچار آسیب شده است؟

اگر شهید لاریجانی، آقای ضرغامی، آقای سرافراز، آقای علی‌عسکری یا هر کس دیگری می‌آمد، اخوی یک بنده خدا را می‌گذاشت قائم‌مقام، پسرخاله‌اش را می‌گذاشت معاون سیاسی، یکی دیگر را رئیس دفترش می‌گذاشت، قائم‌مقام معاون سیاسی و رئیس شبکه خبر و یکی دیگر را رئیس دفترش می‌گذاشت و نماینده ویژه‌اش در انتخابات می‌کرد، مدیرکل برنامه‌های سیاسی می‌گذاشت، خداکیلی آقا آقای وحید جلیلی کفن می‌پوشید جلوی صداوسیما و می‌گفت این خلاف عدالت است یا نه؟ می‌گفت این چه وضع شایسته‌سالاری است؟ اما در این دوره این اتفاق افتاد، خیلی قشنگ و شیک و مردمی هم افتاد.

در ۴۸ سال گذشته هیچ‌گاه به رهبری نظام روی آنتن توهین نشده بود؛ آن هم توسط شقی‌ترین و نجس‌ترین طیف مقابل نظام به نام منافقین. ولی در این پنج سال اخیر سه بار روی آنتن این اتفاق افتاد. چه کسی باید پاسخگو باشد؟ این هک نبوده؛ بر اساس اطلاعات، نفوذی پای این دوستان نوشته شده است. دوستان باید پاسخگو باشند.

در هفته‌های اخیر گمانه‌زنی‌هایی درباره تغییرات مدیریتی در سازمان مطرح شده است و حرف از تغییر وحید جلیلی شد. آیا تغییر افراد می‌تواند به تغییر عمده در تلویزیون منجر شود؟

شما بگردید آیا امضایی از آقای جلیلی در مورد دستورالشان پیدا می‌کنیم؟ یک دستور مکتوب از ایشان پیدا می‌کنید؟ نکته مالی از ایشان پیدا می‌کنید؟ ایشان همه را شفاهی دستور داده است. در کنار هم که می‌گذاریم، تأثیرش را می‌بینیم. اصلاً ایشان هیچ نشانه مکتوبی از خودش به جا نگذاشته است.

خب ایشان بروند بیرون سازمان، با نیروهایی که داخل سازمان چیده، فکر می‌کنند نمی‌تواند اداره کند؟ اتفاقاً ادعا می‌کند که من از سازمان و جایگاهم فاصله گرفتم و من را بیرون کردند. بیرون هم می‌نشیند و سخنرانی می‌کند.

من چندین جا گفته‌ام؛ آقای وحید جلیلی، اگر شجاعت دارد، اگر خودش را پیرو رهبری می‌داند و پیرو رهبری شهید می‌داند، یک مصاحبه مطبوعاتی با خبرنگارهای حوزه رادیو و تلویزیون بگذارد و جواب بدهد در این پنج سال چه کار کرده است.

یکی از دلایلی که ما فکر می‌کنیم آقای شهید تصمیم گرفتند این مدیریت را به این دوستان بسپارند،

این بود که این پنج سال بستان بزن؛ حالا بگو چه زدی. یک‌سری انتقادات هم بشنو. چه می‌شود؟ ممکن است حتی دونفر به توتوهین کنند؛ بکنند.

در باره سند تحول صداوسیما هم صحبت‌های زیادی شده است. این سند تا چه اندازه در سیاست‌گذاری و خروجی آنتن اثرگذار بوده است؟

اولاً این سند چطور تنظیم شده؟ چه عقلایی این سند را نوشتند؟ مورد تأیید قرار گرفته یا نگرفته؟ چقدر رهبر شهید از آن مطلع بودند؟ دفتر حضرت آقا چقدر از آن مطلع بود؟ اینها را باید بگوییم، متأسفانه اینها گفته نمی‌شود.

ما شاهد هیچ تغییری بعد از آن سند تحول نیستیم. چرا؟ ما شاهد افول سازمان صداوسیما، از دست رفتن مرجعیت رسانه‌ای و جدا شدن مردم و رفتن پای اینترنت‌نشال و رسانه‌های بیگانه هستیم.

تازه خوش‌بینانه، و جای خوشبختی این است که بعضی از دوستان با پلتفرم‌ها مشکل دارند. بابا، پلتفرم‌ها دارند برای جمهوری اسلامی کار می‌کنند. بله، ایراد و اشکال محتوایی شاید داشته باشند، اما مخاطبی که پلتفرم می‌گیرد، مخاطبی است که می‌خواهد برود پای ماهواره بنشیند و آن را می‌گیرد و می‌نشانند. این هم خدمت به جمهوری اسلامی است. چرا این قدر چوب لای چرخشان می‌گذاریم و آنها را رقیب می‌دانیم؟

شما اخیراً گفته‌اید تصمیم‌گیری درباره آینده مدیریت صداوسیما باید کارشناسی باشد و تحت تأثیر فضای رسانه‌ای قرار نگیرد. اگر بخواهیم کارشناسی کنیم، شاخص‌های ارزیابی یک مدیر رسانه‌ای چیست؟

موضوع اصلی این بود که سیاسی کردن مدیر و انتصاب مدیر صداوسیما به ضرر صداوسیماست و به نفع چه کسانی است؟ به نفع آن اقلیت پرسروصدای اصلاح‌طلب و اقلیت پرسروصدای اصولگراست که فقط دنبال منافع سیاسی خودشان هستند.

خیلی از دوستان تند اصلاح‌طلب، دوست دارند همین تیم در صداوسیما باشد. چرا؟ چون یک فضایی با کارکرد اینها به وجود می‌آید که بتوانند بیایند و به کل نظام بتازند و از کل نظام انتقاد کنند.

اقلیت اصلاح‌طلب و اقلیت اصولگرا همین را می‌خواهند. می‌گویند اینها باشند، رفقای ما هستند و بقیه کاری نداریم؛ فضا را دستمان می‌گیریم.

به نظر من باید کاملاً کارشناسی نگاه کنیم. ببینیم در این پنج سال رشد مخاطب داشتیم؟ در این پنج سال توانسته‌ایم ارتباطمان را به‌عنوان رسانه حاکمیت با مردم برقرار کنیم یا این ارتباط کاملاً مختل و از بین رفته است؟ اگر از بین رفته، باید تجدیدنظر کنیم. اگر ضعیف است، باید تجدیدنظر کنیم.

در این پنج سال چقدر توانسته‌ایم با هنرمندان، فرهنگ‌سازان و رسانه‌ای‌های مؤثری که می‌توانند تلویزیون را خانه خودشان بدانند و باید بدانند، ارتباط بگیریم؟

آیا بر اساس فرمایش رهبر شهید، بر اساس جذب حداکثری و دفع حداقلی عمل کرده‌ایم یا برعکس عمل کرده‌ایم؟ اگر برعکس عمل کرده‌ایم، خلاف نظر رهبر شهید است. پس باید تجدیدنظر کنیم.

اگر شما امروز اختیار داشتید در سیاست‌گذاری برنامه‌های تلویزیون تغییر ایجاد کنید، سه تغییر اولویت‌دار شما چه بود؟

خیلی سخت است، ولی به نظر من اولین تغییر را در رویکرد می‌گذاشتم؛ رویکردی که بتواند با اکثریت مردم ارتباط بگیرد.

دومین تغییر را در صداقت می‌گذاشتم؛ با مردم صادقانه صحبت کنیم. اگر جایی به یک طرز فکری ضرر می‌خورد، ملاحظه‌اش نکنید و حرف‌هایمان را بزنیم.

سومین تغییر را استفاده از چهره‌هایی می‌گذاشتم که مردم به آنها علاقه‌مند هستند و می‌توانند با آنها ارتباط و پیوند برقرار کنند؛ حتی اگر آن چهره‌ها با ما زاویه‌هایی داشته باشند. ما موظفیم آن چهره‌ها را در ذیل جمهوری اسلامی بیاوریم و از آنها استفاده کنیم.

